

ویژه‌گی‌های هنر اسلامی

پوهنوال مجتبی عارفی

دیپارتمنت بشرشناسی و باستان‌شناسی، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: arify2014@gmail.com

چکیده

هنر از ویژه‌گی‌های مشترک انسان‌ها است، هنر راهی برای شناخت بهتر جهان هستی است. با توجه به کارکرد اجتماعی هنر اسلامی، هنر از جمله مهم‌ترین ویژه‌گی‌های تمدنی اسلامی است. خلق آثار عمده‌ی معماری اسلامی در مساجد، قصرها، مقبره‌ها، اماکن عمومی، بازارها و... شایان اهمیت موضوع است. این نوع بناهای اسلامی که شیوه و سبک معماری اسلامی در آن به روشنی جلوه‌گر می‌شود، شیوه به‌کار رفته در یکی، اغلب در دیگری نیز اعمال شده است؛ ولی هر یک از بناها معروف بوده است. در تمام آبدیه‌های اسلامی می‌توان مشخصات خاص را مشاهده کرد. در این محل مقدس تجمع مسلمانان، وحدت و یک‌پارچه‌گی جهان اسلام، صدور فرامین، جمع‌آوری مالیات و آغاز غزوات نقش مهم ایفاء نموده است. هدف این تحقیق بیان مفهوم ویژه‌گی هنر اسلامی است که با شیوه تحلیلی و توصیفی به روش کتابخانه‌یی انجام شده است. نتایج آن معرفی و شناسایی ویژه‌گی هنری اسلامی در طول دوران تاریخی است.

اصطلاحات کلیدی: اسلام؛ مسلمانان؛ هنر اسلامی؛ مساجد؛ محراب؛ مناره؛ خط

The Characteristics of Islamic Art

Associate Prof. Mujtaba Arify

Department of Anthropology and Archaeology, Faculty of Social Sciences, Kabul

University, Kabul, Afghanistan

Email: arify2014@gmail.com

Abstract

Art is a fundamental aspect of human experience, providing ways to understand the world. Islamic art plays an important cultural role within Islamic civilization, evident through the grand architectural works of mosques, palaces, tombs, and public spaces that shaped communities across empires. While architectural styles often drew from shared techniques, each building also exhibited unique characteristics. Distinct features can be seen across all Islamic regions. As gathering places for Muslims, mosques helped unite the Islamic world through Friday prayer and facilitated important social functions like issuing legal rulings, tax collection, and military organization. This research aims to describe and analyze the distinctive qualities of Islamic art over time, employing analytical, descriptive, and library-based methodologies. The results outline and identify key historical artistic traits that define Islamic art's special character.

Keywords: Islam; Music; Islamic Art; Mosques; Altars; Minarets; Calligraphy

مقدمه

وقتی که دین مقدس اسلام از شبه جزیره عرب بیرون شد و توسط اعراب مسلمان به گوشه و کنار جهان پخش و نشر گردید، به خصوص در زمان خلافت اموی‌ها تا دورترین نقاط جهان به شمول کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی رسید و مردمان زیاد در کشورهای متعدد و مختلف به دین اسلام مشرف شدند. بناءً، ضرورت افتاد تا مسلمانان برای ادای فرایض دینی و تجمع و وحدت خویش دست به اعمار آبدیه‌های اسلامی زدند، بناءً، ضروری و لازمی شد که مساجد را که از جمله اولین آبدیه‌های اسلامی می‌باشد، اعمار نمایند که در این صورت در تعداد زیادی از کشورها که مسلمانان حضور داشتند، آبدیه‌های اسلامی اعمار گردید. سعی به عمل آمد تا آبدیه‌های اسلامی خصوصاً مساجد در جهان اسلام مشخصات و ممیزات خاص خویش را داشته باشد تا با سایر آبدیه‌های دیگر فرق و تفکیک شده بتواند.

پیشینه موضوع

با ظهور دین مقدس اسلام و هجرت رسول اکرم ﷺ از مکه به مدینه در سال ۶۰۲ میلادی، تمدن اسلامی پایه‌گذاری و به تدریج گسترش یافت و با سرعت بی‌سابقه تمام سرزمین‌های خاور میانه، قسمت‌های از شبه قاره هند و شمال آفریقا را فراگرفت. در سال ۷۱۰ میلادی سپاهیان اسلام از تنگه جبل الطارق گذشته و وارد اسپانیا شدند. مسلمانان در صدد تسلط بر تمام اروپا بودند. در شرق سپاهیان مسلمان تا رودخانه سند پیشرفت نمودند. در سده‌های نخستین تاریخ اسلام مرکز سیاسی و فرهنگی جهان اسلام در بخش‌هایی از خاورمیانه قرار داشت و از آن‌جا جهان اسلام مدیریت می‌گردید.

هنر اسلامی یکی از ارزش‌های شکوهمند تاریخ و هنر و هم یکی از با ارزش‌ترین دست‌آورد‌های بشری در عرصه هنری به‌شمار می‌رود و شامل انواع هنر از قبیل معماری، خوش‌نویسی، سفال‌گری، نقاشی و امثال آن می‌گردد (هوتک، ۱۴۰۰، صص ۱۹-۲۱).

هنر و معماری اسلامی برای رشد، انکشاف و گسترش خویش از منابع متعدد الهام و الگوبرداری نموده است. هنر رومی، هنر مسیحی و هنر بیزانس در هنر و معماری اسلامی اولیه اثرگذار بوده است؛ خصوصاً در نقاشی اسلامی، سفال‌گری و منسوجات و آبدات نقش بارز داشت. مسلمانان با استفاده از سفال، مس، برنج و شیشه ظروف و اشیای مختلف می‌ساختند. در چراغ‌های مسجد از شیشه‌های لعاب‌دار، کاشی‌های نقش‌دار جهت زیبایی و تزئین استفاده می‌شد (هلین برند، ۱۳۸۶، صص ۱۱-۱۲).

هنر کتاب‌آرایی هم نقش مهم را در هنر اسلامی ایفاء نموده و به‌نظر می‌رسد که تصویرها نیز به‌وسیله خطاطی از کتاب‌های اصلی نسخه‌برداری شده است. سلاطین و حکمرانان که شیفته کتاب‌های نفیس بودند، دربارهای خود را مرکز فعالیت خوش‌نویسان و کتاب‌آرایان سرشناس کرده بودند. مسلمانان

خوش‌نویسی را یک هنر به‌شمار می‌آوردند. در اسلام خوش‌نویسی نه تنها برای انتقال مفاهیم؛ بلکه به‌عنوان عامل تزئینی نیز به‌کار می‌رفت. خط اسلامی ابتدا در کوفه رونق گرفت و بعداً در عهد خلفای عباسی، بغداد به یک مرکز فرهنگی اسلامی مبدل گردید (هروی، ۱۳۷۲، صص ۲۲-۲۴).

در بخش معماری اسلامی هم پیشرفت‌هایی صورت گرفت. اسلام منسوب به امر خداوند ﷻ می‌باشد و معماری تجربه بشری است. اسلام در همه جا ثابت؛ اما معماری متغیر، متناسب با اقلیم، فرهنگ و جغرافیا می‌باشد. معماری یکی از مهم‌ترین نمونه‌های هنر اسلامی بوده، به‌خصوص مساجد چار ایوانه و ستون‌دار که معرف هنر معماری اسلامی است. این آبادات با شکوه می‌توانند تأثیر فرهنگ‌های متفاوت در تمدن اسلامی را نشان دهد. به‌گونه مثال عناصر رومی، بیزانسی در شمال آفریقا و اسپانیا به وضوح قابل ملاحظه می‌باشد.

مساجد

پخش و نشر اسلام در سرزمین‌های مشرق‌زمین و فتوحات مسلمانان، تأثیر عمیق در تمام عرصه‌های زندگی مردم از جمله معماری بجا گذاشت که هنرمندان و معماران با تکیه بر عناصر هنری گذشته به‌خصوص هنر کوشانی و ساسانی و با الهام گرفتن روح اسلامی، معماری شکل و روح جدید و تازه به‌خود اختیار نموده و با اعمار آبادات خویش سبک معماری جدید را به‌میان آورد.

با در نظر داشت موازات گسترش حوزه نفوس اسلام با عامل‌های دینی، نظامی و اقتصادی ضرورت احداث بناهای نو احساس گردید که از جمله یکی آن مساجد و بناهای دینی می‌باشد. احداث مساجد در مقایسه با سایر بناهای اسلامی اهمیت بیشتر داشت. مساجد جز بزرگ‌ترین بناهای اسلامی در روستاها، شهرها و مراکز دولت‌ها به حساب می‌رود (اتنگهاوزن، ۱۳۸۱، صص ۲۰-۲۵).

مساجد صدر اسلام برای جمع ساختن مسلمانان به‌خاطر مراسم نماز جماعت و نماز جمعه طرح‌ریزی شده بود که از محوطه‌های چهارگوشه‌یی که به‌سوی مکه مکرمه معطوف بود و اطراف آن به‌واسطه ساقه‌های نی و یا حفر گودال محدود می‌گردید. عناصر مهم که اکنون در مساجد مشاهده می‌گردد به تدریج به محوطه و اطراف آن اضافه شده است. از جمله منبر را می‌توان نام برد که در آغاز به‌صورت صندلی بوده که روی سکویی قرار داشته و حضرت محمد مصطفی ﷺ به‌خاطر این که تعداد بیشتر پیروان شان بتوانند او را ببینند و گفته‌های ایشان را بشنوند، در مساجد صدر اسلام ساخته شده است که اولین کاربرد آن در مدینه منوره بوده است.

خلفای راشدین که بعداً خلافت اسلامی را به‌عهده گرفتند نشستن بر فراز منبر را یکی از تشریفات قلمداد می‌کردند؛ ولی در هر حال آن‌چه امروز به منبر معروف است و در تمام مساجد مشاهده می‌گردد بعد از سال ۷۵۰ معمول گشته است و مورد استفاده بیشتر قرار گرفت (هواک، ۱۳۸۶، صص ۲۴-۲۶).

مساجد اولیه بناهای بسیار ساده داشتند و در محوطه‌ای مربع یا مستطیل شکل روبه‌روی قبله و دیوارهای خشتی ساخته می‌شدند؛ مانند مساجد مدینه، کوفه و بصره؛ در کشور عزیز ما افغانستان از مساجد و بناهای اولیه اسلامی نمونه‌های زیاد بجا مانده که به ملاحظه متون تاریخی در دو قرن اول و دوم هجری قمری، ورود اسلام به مشرق‌زمین سنت و شیوه معماری و مصالح دوره‌های کوشانی رواج داشت که به‌گونه مثال می‌توان از مسجد سنگی فراه و مسجد نه‌گنبد بلخ نام برد. مسجد فراه به‌شکل ساده و شیوه رایج معماری عصر قبل از اسلام به‌شکل مربع با سقفی هشت ضلعی بنا گردیده و با مواد از خشت‌های سنگی و حجاری شده و با ستون‌های مزین شده و با کمان‌های متعدد آراسته شده بود (هواک، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳). با ایجاد سلسله امویان در دمشق و بعداً عباسیان در بغداد در وضع معماری اسلامی تغییرات و دگرگونی‌های به‌میان آمد. بناهای مانند قبه الصخره، مسجد دمشق، مسجد قسقاط، قیروان، ابوطولون و مساجد ولید و غیره اعمار گردیدند که نمایان‌گر هنر اسلامی به حساب می‌روند.

در قرن دوم هجری تحولات بزرگ سیاسی در جهان اسلام وارد گردید. با بروز این تحولات افغانستان و مردم آن نقش برانزنده در این عرصه ایفا نمود. به اثر این تحولات سیاسی امویان منقرض و دودمان دیگری که طرفداران اهل بیت پیامبر ﷺ بود ظهور نمود که عبارت از عباسیان می‌باشد.

مساجد در اوایل حکومت اسلامی با مقایسه به سایر بناهای اسلامی اهمیت بیشتر داشت، در صدر اسلام با آن‌که مسجد محل انجام فرایض و اقامه‌ی نماز بود، به‌عنوان نهاد سیاسی، اجتماعی و اداری نیز به‌شمار می‌رفت. مسجد به‌عنوان تالار اجتماعات مسلمانان، خانه مستمندان، اقامت‌گاه مسافران و کاروانیان، پناه‌گاه مظلومان، مکانی برای دروس و بحث طلاب، محل ایراد خطابه، ابلاغ فرامین سلاطین جهت اعلام صلح و جنگ و اخذ مالیات نیز بود (صدیقی، ۱۳۹۷، صص ۷-۸).

در اوایل اسلام مساجد دارای نقشه‌های ساده و ابتدایی بود؛ اما در طول زمان با فتوحات لشکریان اسلام و آشنایی با فرهنگ و تمدن‌های بیشتر نقشه و طرح مساجد تغییر کرده و نوآوری‌هایی در طرح مساجد به‌وجود آمد، در نقشه مساجد از قرن چهارم هـ. ق دگرگونی‌هایی به‌وجود آمد و براساس آن مساجد متعارف در شهرها احداث شد. مهم‌ترین نقشه‌هایی که در مساجد به‌کار گرفته می‌شد، شامل یک‌ایوانی، دوایوانی، چهارایوانی و ترکیب چهار تاقی و ایوان بوده که معماران دوره اسلامی مساجد را به شیوه‌های گوناگون می‌آراستند. در هر دوره یکی از عناصر تزئینی در آراستن مساجد متداول بوده است (کیانی، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳۲).

در افغانستان قدیم (خراسان) حکومت‌های ملی اسلامی از قبیل صفاریان، طاهریان، غزنویان، غوریان، تیموریان و آل کرت به ترتیب یکی بعد دیگر ظهور نمودند که هر کدام از این سلسله‌ها و دودمان‌ها در

تحکیم نظام اسلامی و ساخت و ساز آبدیه‌های اسلامی و مساجد زحمات زیاد را متقبل شدند و آثار گرانبهای فرهنگی از خود به میراث گذاشتند.

مدارس

نظر به یافته‌های تحقیقات علما و دانشمندان حوزه علوم انسانی، بنای مدارس مستقل و جدا از مساجد در ممالک اسلامی از اوایل قرن چهارم شروع شده است. برخی از مؤرخان نظامیه بغداد را اولین مدرسه اسلامی دانسته و نظام الملک را نخستین بانی مدارس در اسلام پنداشته اند؛ اما نظامیه بغداد اولین مدرسه اسلامی نبوده است. خواجه نظام الملک وزیر دانشمند طوسی در دوران وزارت خود مدارس کاملاً بی سابقه را تأسیس کرد. مدارس که در سراسر جهان اسلام: بغداد، بصره، موصل، اصفهان، نیشابور، بلخ، هرات، بخارا، مرو، و طبرستان ساخته شده بود (صفا، ۱۳۷۲، صص ۵۹۲-۵۹۴). این مدارس به نام نظام الملک، نظامیه خوانده شد. نظامیه بغداد ساختمانی با شکوه و عالی داشت که نظام الملک برای ساختن آن ۲۰۰۰۰۰ دینار خرج کرد و در اطراف آن بازارهایی ساخت که آن را وقف مدرسه کرد و گرمابه‌ها و دکان‌ها، خرید و برآن وقف کرد. هر سال برای استادان و شاگردان مبلغ ۱۵۰۰۰ دینار خرج و صرف می‌کرد. در این مدرسه ۶۰۰۰ شاگرد به فراگیری تعلیم و تحصیل مصروف بود و به تحصیل علوم مختلف مشغول بودند (صفا، ۱۴۰۰، صص ۱۴-۱۵). برای تدریس در نظامیه بغداد، همواره از دانشمندان بزرگی چون: ابواسحاق شیرازی و غزالی و نظایر آن‌ها استفاده می‌شد. معیدان این مدرسه نیز از میان بهترین دانشمندان انتخاب می‌شدند. در انتخاب کتاب‌داران نیز دقت فراوانی به عمل می‌آمد. یکی از این کتاب‌داران ابو زکریا، ادیب و خطیب معروف است که بعد از مدتی در زمره مدرسان آن مدرسه درآمد (زرین کوب، ۱۳۸۷، صص ۳۸-۳۹).

محراب و منبر

قدیمی‌ترین بقایای محراب در مسجد دمشق مشاهده شده است. اصطلاح یا واژه محراب به قدر کافی پیچیده و مغلق می‌باشد. به منظور روشن شدن موضوع، به کاربرد عمومی آن در مسجد توجه می‌کنیم. امروز محراب را محلی در سمت دیوار قبله می‌دانند که جهت مکه را نشان می‌دهد. ولی در تمامی مساجد نخستین از آن خبری نیست، محراب بخش از بنا قابل رویت و شناخت است، و کل پلان مسجد جهت قبله و نماز را طوری مشخص می‌سازد که احتیاجی به وجود نشانه و محراب نیست. می‌توان پذیرفت که محراب نوعی تخت خانه بوده که با گذشت ایام تغییر کرده و به صورت کنونی در آمده است و به عنوان مشخصات ثابت مساجد احراز موقع نموده است و سرانجام چهره نقش مایه هنری متداول را بروی بناهای مقدس پیدا کرده است (اتننگهاوزن، ۱۳۸۱، ص ۲۰).

برای این که بدانیم هدف اصلی از ساخت محراب چه بوده باید به دو نکته توجه نمائیم. نخست این که نویسندگان سده های میانه عموماً بر این باور بودند که محراب معقر برای نخستین بار در مسجد ولید در مدینه پدید آمد، و همچنان محراب نیز در مسجد نبوی به کار گذاشته شده؛ اما در وسط نبود؛ بلکه در جایی قرار داشت که طبق احادیث پیامبر ﷺ به هنگام برگزاری نماز بر پا می شده است. پس می توان تصور کرد که هدف از آن نهادینه کردن جایگاهی بود که نخستین امام در آن ایستاده بود. دیگر این که به عنوان یادبودی تداعی کننده از مسجد پیامبر به کار رفته و بعدها با بناهای ساخت ولید در سرتاسر جهان اسلام گسترش یافته است. پس چون مقام جانشینی پیامبر دارای معانی تلویحی خلافت و سلطنت بوده از محراب استفاده شده است. اما تنها مفهوم خاص یاد و بود مذهبی آن بوده که موجب پذیرش این جایگاه و مقام در تمام بناهای مذهبی شده است.

مقایسه اقتباس بلادرنگ آن با گسترش کاربرد منبر در روزگار امویان نکته بالا را تقویت می کند. منبر چوکی تخت گونه یی پیش از اسلام بوده که پیامبر از آن در مدینه استفاده می کرد. به غیر از منبر مدینه، در زمان امویان از آن در مساجد بهره گرفتند و آشکارا نهاد اقتدار و قدرت شد.

همچنین کاربرد منبر و اقتباس آن بسیار دقیق تر از کاربرد محراب بود. منبر وسیله منقولی بود که دقیقاً به نهاد مذهبی تعلق نداشت و برای مدت چندین قرن وجود مساجد منبردار یکی از معیارهای تشخیص یک شهر و روستا بوده است. محراب همچنان با رشد گنبدی در جلو بخش محوری دیوار قبله در دوره امویان ربط پیدا کرد. البته گنبد عنصر شناخته شده ی معماری به منظور تکریم جایگاه مقدس بود و در عربستان پیش از اسلام هم وجود داشت. محراب معقر، منبر و گنبد در جلو یا پیشروی محراب سهمی قابل ملاحظه در تاریخ معماری داشته است، وظایف و اهداف دقیق آن ها را در زمان امویان می توان از خاستگاه های آن ها دریافت نمود که به خصوص تمامی آن ها در مساجد سلطنتی ولید در کنار هم ظاهر شدند، به مشکل می توان دلیل وجودی آن ها را تفسیر کرد. چون نقش مبهم و چندپهلوی داشتند و هنوز هم منشا نقش های گوناگون و رسمی آن ها و سرنوشت شان کاملاً درک نشده است. ابهام و ناهم خوانی آن ها در مساجد ساخت ولید منعکس شده است.

واقعاً این خصوصیات را در زمان امویان می توان به وظایف و کارکردهای سلطنتی نسبت داد که به مرور زمان، بیش از پیش مفهوم مذهبی پیدا کرده است (هواک، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴).

مناره

از نگاه معماری و ساختمان مناره یکی از خصوصیات برجسته مسجد می باشد و از ویژگی همیشگی منظرپردازی مساجد اسلامی به شمار می رود، هدف مناره واضح و روشن است. یعنی محل که مؤذن از

بالای آن مومنان را در ساعات مقرر و معین به نماز فرا می‌خواند. به هر جا که اسلام پا گذاشت مناره هم به دنبال آن بود و تقریباً در همه جا شکل یک برج بلند و بالاتر از مسجد و یا شهر و روستا را پیدا کرد. هنگامی مؤذن محمد ﷺ مومنان را از بالای بام خانه به نماز فرا می‌خواند، جایگاه خاصی برای او در نظر نگرفته بودند و یا در مساجد نخستین شهرهای جدیدالتأسیس عراق هم مناره‌یی وجود نداشت.

نخستین مناره در حقیقت در محلاتی که دارای جمعیت‌های غیر مسلمان بودند، ظاهر شد و شکل آن در تقابل با هدف آن که از آغاز اسلام وجود داشت، از اشتیاق نخستین مسلمانان برای فراخوانی و دعوت هم‌دینان پراکنده در سرتاسر شهر به نماز و نیز از حضور مراکز جدید اسلامی در شهرهای کهن، مایه می‌گرفت، جمله این‌ها بیان‌گر آنند که سوریه یا مصر خاستگاه مناره بوده است.

معلوم نیست کدام یک بر دیگری پیشی دارد. به هر حال نکته مهم قابل درک این موضوع آنست که مناره کارکرد دوجہتی و دوبعدی داشته است. یکی برای نیاز دینی بوده و دیگر از موقعیت مسلمانان در ممالک مفتوحه حکایت می‌نمود. وظیفه اولی بی‌درنگ بر دومی سایه انداخته و مناره‌ها در همه جا با شکل و الگوی محلی پدید آمده است. در سوریه برج‌های مدور جای خود را به مناره‌های استوانه‌یی داده و بعدها از غرب تا شمال آفریقا و اسپانیا و از شرق تا عراق، ایران و افغانستان گسترش یافت و در جاهای دیگر هم مناره سر برآورد (انتنگهاوزن، ۳۵۸، ص ۱۳۸۱).

با وجود این، تأکیدی که در سرزمین‌های دوردست بر مناره شده و نیز کتیبه‌های موجود نشان می‌دهد که مناره در خلال سده‌های پیهم، و حتی امروز در مساجد، مانند کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا نماد از نمایش حضور اسلام در یک منطقه بوده است.

یکی از عناصر اصلی هنر که در اسلام جلوه‌گر شده و زیبایی خاصی به خود گرفته، ساختمان مناره‌ها یا گلدسته‌ها می‌باشد. با ظهور اسلام و اعمار مساجد، گویی رنگ و سنگ را از سایر رقبا ربوده و در فن و هنر بی‌همتا گشتند، گلدسته یا مؤذنه عبارت از محلی است که مؤذن در آن جا اذان می‌گوید و مردم را به نماز دعوت می‌کند. مؤذنه دارای نام‌های دیگر نیز است از قبیل: مناره، منار و گلدسته.

در فرهنگ عمید کلمه‌های مناره، منار به اشکال ذیل تعریف گردیده:

منار: جای نور، جای روشنایی، ساختمان برج مانند که در کنار راه می‌سازد برای روشن ساختن چراغ و یا رهنمایی اعمار می‌شود (عمید، ۱۳۸۲، حروف م).

مناره: جای نور، گلدسته، ستون بلند و ساختمان برج مانند که در معابد و مساجد درست می‌کنند برای روشن ساختن چراغ یا اذان گفتن (صمد، ۴۰۳، ص ۱۴۲۰).

در اوایل اسلام بود که مؤذن بر روی بلندی شهر می‌رفت و اذان می‌گفت و زیادت‌ر این رسم در شهر دمشق معمول بود. خلاصه فکر این که مؤذن در محل مرتفعی اذان بگوید. مسلمین را بر این واداشت تا برای مؤذن جایگاه مخصوصی که بلندتر از مسجد و متصل و یا نزدیک به آن باشد اعمار نمایند تا در آنجا اذان گفته شود، چون دولت اسلامی توسعه یافت و مسلمین با کشورهای متمدن آن‌روز تماس پیدا کردند، ضرورت ایجاد کرد تا در هر شهری مسجد و در هر مسجد مناره بسازند.

مناره‌ها در ابتدا شکل ساده‌یی داشتند و تدریجاً تکامل یافته است. یعنی در اول مناره دیوار بلند یا برج‌مانند بود که مؤذن به‌روی آن می‌رفت و اذان می‌گفت. کم‌کم به اطراف آن دیوار کشیدند. به‌روی آن سایه‌بانی قرار دادند و پس از مدتی این فکر در بین عده‌ی مردم پیدا شد که به هنگام مغرب چراغی در مناره روشن کنند تا هم علامت فرا رسیدن وقت نماز باشد و هم مردم بدانند که مسجد در کدام نقطه‌یی قرار دارد.

به تصور برخی از مردم مهم‌ترین دلیل وجود مناره در مساجد، اذان‌گویی است. اما این دلیل مورد بحث و مناقشه است؛ زیرا می‌توان از فراز بام مسجد نیز مسلمانان را به مسجد فرا خواند. بر حسب روایات وقتی مسلمانان به مدینه منوره آمدند طبق عادت و بدون هیچ‌گونه دعوتی برای ادای فریضه نماز در مسجد حضور پیدا می‌کردند. این عدم دعوت روزی به بحث گذاشته شد و شخصی پیشنهاد کرد که بگذارید مانند مسیحیان ناقوس داشته باشیم. دیگری گفت مانند یهودیان شیپور بدمیم با این حال حضرت محمد ﷺ هدایت دادند که مردم را به نماز فرا خواند و پیامبر ﷺ به بلال فرمود «برخیز و مردم را به نماز فرا خوان» این نکته چنین واقعیت را برملا می‌سازد که مناره بخش جداناپذیر از مراسم عبادی اسلام نیست و تا امروز هم در بسیاری از کشورهای اسلامی از ساختن مناره اجتناب می‌ورزند و برخی دیگر فقط یک سکو در بام مسجد در نظر می‌گیرند که مؤذن از آنجا اذان می‌گوید.

در مورد تاریخ مناره نظریات متعدد موجود است، اولین مؤذنه برویت اسناد تاریخی مؤذنه مسجد بصره بود که آن را زیاد بن ابی در سال ۴۴ هجری قمری زمانی که والی بصره بود، بنا نمود (صمد، ۱۴۲۰، ص ۵۶).

دومین مؤذنه در مناطق که مسلمانان فتح کردند ساخته شد. مناره جامعه عمر در قسطنطین که معاویه در سال ۵۳ هجری قمری به والی خویش مسلم بن مخله دستور داد تا برای مسجد مذکور چهار گل‌دسته بسازد.

سومین مؤذنه که ساخته شد، مناره‌یی بود که در سال ۸۶-۸۸ هجری قمری ولید بن عبدالملک آن را در مسجد جامع دمشق بنا نمود. چهارمین مؤذنه‌یی که ساخته شد، مناره مسجد پیامبر اکرم ﷺ در مدینه

است که آن را عمر بن عبدالعزیز در سال ۸۸ هجری قمری هنگامی که از طرف ولید بن عبدالملک عامل مدینه و مکه بود بنا نمود.

پنجمین مؤذنه در مسجد جامع رمله در فلسطین است که آن را هشام بن عبدالملک بنا نمود که در سال ۱۰۰ هجری قمری اعمار مجدد گردید. ششمین مؤذنه مسجد جامع قیروان در تونس است که در زمان هشام بن عبدالملک در سال ۱۰۵ هجری اعمار گردید.

مؤذنه هفتم، مسجد الحرام در مکه است که در سال ۱۳۰ هجری قمری آن منصور دوانیقی بنا نمود. هشتمین مؤذنه مناره‌های باب اسلام و باب علی در مسجدالحرام در مکه می‌باشد که به امر مهدی عباسی در سال ۱۶۷ هجری ساخته شد. مؤذنه نهم مناره مسجد جامع قرطبه می‌باشد که بواسطه هشام بن عبدالرحمن در سال ۱۸۰ هجری قمری اعمار گردید (ابن هشام، ۱۲۵۰، ص ۱۳۰).

در افغانستان ساخت و اعمار مناره‌ها، تاریخ طولانی دارد و از قرن ششم به بعد رایج و متداول گشت. به‌گونه‌ی مثال می‌توان از مناره‌های مسعود سوم، بهرام‌شاه در غزنی، منار جام در غور و مناره‌های مسجد جامع و مصلح‌های هرات نام برد. دوره اوج مناره‌سازی در افغانستان و مناطق همجوار آن قرن پنج و شش هجری می‌باشد که بناهای زیادی درین قرون اعمار گردید.

مناره‌ها از نگاه ساختمانی متشکل از چهار جزء ذیل می‌باشد:

۱. پایه به‌صورت مربع، شش یا دوازده ضلعی.

۲. ساقه: به شکل استوانه یا مخروطی.

۳. سرپوش: مربع و هشت‌گوش که مهم‌ترین بخش مناره است.

۴. رأس: همان سایبان که به اشکالی مختلف ساخته می‌شود.

هرچند در اکثر نقاط جهان اسلام، مناره‌ها اغلب از همین اجزا تشکیل شده‌اند؛ اما با تأثیرپذیری از شیوه معماری محلی هر منطقه، شکلی خاص به خود گرفته؛ چنان‌چه در شمال افریقا مناره‌ها حجیم و چهارگوش، در مصر به‌صورت چندطبقه، در افغانستان و مناطق هم‌جوار به‌شکل استوانه‌یی لاغر ولی همراه گلدسته‌هایی زیبا و بی‌نظیر، در ترکیه به‌شکل بالکندار و در صحرای افریقا و خلیج فارس به‌شکل هرم ساخته شدند (www. Baztab.com تاریخ اخذ مقاله ۱۴۰۰/۴/۱۲).

پایه یا سکو با توجه به ارتفاع زیاد و مساحت کم قاعده مهم‌ترین نقش را در مقاومت مناره داشته و کوچک‌ترین سستی درین قسمت منجر به فروریختن بنا می‌شود. بنابراین، زمین را تا رسیدن به لایه‌های سخت حفر کرده با شفته و سنگ پر می‌کنند، سپس پایه و سکو ساخته می‌شود.

بعضاً مناره‌ها را بدون پایه مستقیماً روی زمین می‌سازند. پایه‌ها معمولاً یا مربع بوده مانند منار علم و جهل در کنار باغ وحش کابل یا کثیرالاصلاح می‌باشد، مانند مناره‌های غزنی که اکثراً بدنه استوانه‌یی در وسط سکو قرار می‌گیرد.

ساقه یا بدنه از دوران پیش از اسلام وجود داشته است. مانند منار چکری و منار قریه عثمانی در لوگر که ساقه‌ی دایروی داشت. تا اوایل قرن پنجم هجری قمری مناره به صورت منفرد و مجزا از مجتمع مسجد ساخته می‌شد گاهی مناره به مسجد ساخته شده اضافه می‌شد و گاهی مسجدی در کنار مناره‌ی موجود احداث می‌شد.

ساقه‌های منفرد سه گونه است:

- الف. ساقه‌های استوانه‌یی بسیار ساده با تزئینات ناچیز؛ مانند منار زاهدان بلخ.
- ب. ساقه استوانه‌یی با ارتفاع زیاد که به دلیل مساحت بیشتر قاعده نسبت به مقطع فوقانی حالت مخروطی داشته است؛ مانند منار جام.
- ج) مناره‌های منشوری که با استقبال معماران افغانی مواجه نشده محدودی از آن‌ها در افغانستان ساخته شده است. درین مناره‌ها مقطع ساخته‌ی چند ضلعی است که به صعود آن به بالا از مساحت آن کاسته می‌شود. مانند مناره‌های غزنی و مناره‌های مساجد معاصر (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۹۱).
- منارها از لحاظ روابط فرهنگی به شهرت یک کشور می‌افزاید، عموماً منارها از چند لحاظ دارای اهمیت است:

۱. گردآوری مسلمانان از نواحی مختلف شهر به منظور انجام فرایض نماز؛
۲. سمبول قدرت و نشان حکومت وقت را نشان می‌دهد؛
۳. جهت رهنمایی کاروان‌های تجارتنی که از یک منطقه به نقاط دیگر عبور می‌نمودند؛
۴. به منظور ترصد از خطرات و حملات دشمن (صدیقی، ۱۳۹۷، ص ۱۴).
- منار یکی از عناصر اصلی در فن هنر و معماری اسلامی به شمار می‌رود. الگوی اصلی مناره‌ها، برج‌های کوتاه و مربع شکل پیش از دین مبین اسلام در سوریه رواج بود که برای معابد و ساختمان‌های پیش از اسلام ساخته می‌شد؛ ولی معماران دوره اسلامی بر ارتفاع آن افزوده و آن را به بناهای پله‌دار و چندطبقه‌یی تبدیل نمودند (هتلیون، ۱۳۹۱، ص ۶۰۶).

مقصوره

بعد از صدر اسلام خصوصاً در زمان امویان از نگاه ساختمان و معماری مقصوره در مساجد به وجود آمد. مقصوره محوطه خاص در وسط دیوار قبله که برای عبادت شاه و امراء در نظر گرفته می‌شد، منشأ و ظهور

آن شناخته نشده؛ ولی با قضیه ترور و قتل و جدایی خلفا از پیروانش رابطه داشته است. هدف اعمار مقصوره‌ها در مساجد، تأمین امنیت شخصی خلیفه بوده است. مقصوره فقط در مساجد بزرگ و اعظم ایجاد گردیده بود (اتنکهاوزن، ۱۳۸۱، صص ۲۶-۲۷).

قوس و طاق‌بندی

هنر اسلامی نظر به ضروریات در ساختمان مساجد و بناهای دیگر استفاده از قوس‌ها را به اشکال گوناگون کار گرفتند که می‌توان از قاره افریقا خصوصاً کشور مصر یادآوری کرد، که قوس‌های استفاده شده در این سرزمین به نام‌های چون قوس پاتو است که گاهی دور تمام و گاه قوس شکسته یا شاخ‌بزی است. قوس دور تمام پاتو که گاهی به مانند نعل اسب نیز نامیده می‌شود، انحنای آن پائین‌تر از خط مرکز دایره عبور کرده است در واقع گسترش قسمت بالای قوس است که شکل قوس دور تمام پاتو را به وجود آورده است. دیگری قوس شکسته یا شاخ‌بزی پاتو نیز مانند قوس قبلی، انحنای آن از زیر بزرگ‌ترین قطر دایره گذشته بعداً گسترش پیدا می‌کند، قوس دیگر به نام قوس مقرنس‌دار یا آویزدار است که قسمت مقعر آن پوشش تزئینی مقرنس‌گونه دارد. قوس‌ها و طاق‌بندی‌ها دل‌بردار چنان‌که از نام آن پیدا است دارای دندانه و دل‌بردار ساخته شده اند (هواک، ۱۳۸۶، صص ۱۹۵-۱۹۶).

کاروان‌سرا

میان‌سرا- حیاط و صحن- یکی از مشخصات معماری اسلامی است. مساجد، مدارس و کاروان‌سراها عموماً دارای صحن و حیاط مرکزی هستند. میان‌سرا در دوره اسلامی دو نقش مهم داشت: اول این‌که نیاز مسلمانان را به وضوخانه و محل تطهیر در مساجد و مدارس و نیاز مسافران را به استراحت، بارگیری و باربندی در حیاط کاروان‌سرا تأمین می‌کرد. دوم این‌که با کانون قرار دادن فضای داخلی بنا را از سرو صدا و فعالیت زندگی روزمره و عادی جدا می‌کرد. شکل میان‌سرا عموماً مربع و مستطیل بوده؛ ولی گاهی از نقشه‌های چندضلعی و مدور هم استفاده می‌دهد.

ایوان

ایوان که معمولاً از یک طاق آهنگ تشکیل می‌شود، از سه طرف بسته و به طرف میان‌سرا باز می‌شود. ایوان‌ها به صورت فضای ورودی و خروجی ساخته می‌شوند و در حالی‌که برای جریان یافتن هوا باز هستند، از تابش آفتاب جلوگیری می‌کند و به شکوه و جلال بنا می‌افزاید. ایوان کانونی است برای تزئینات مختلف بنا؛ چون ایجاد مقرنس‌ها با شیوه خشت‌کاری، گچ‌بری و کاشی‌کاری.

رواق‌ها

به فضای سر پوشیده ستون‌دار یا متشکل از چشمه‌طاق‌های گفته می‌شود که در طرفین صحن یا میان‌سرای مساجد یا اماکن مذهبی ساخته می‌شود. دهانه این‌گونه فضاها رو به صحن است و در قسمت ورودی مسجد را به شبستان یا گنبدخانه متصل می‌سازد.

گنبد

گنبد نیز مانند ایوان یکی از مهم‌ترین عناصر معماری اسلامی به‌شمار می‌رود. ایجاد گنبد روی فضای مربع یا چندضلعی دارای چندین مرحله بوده است: نخست اتاق چهارگوش با درها و طاق‌چه‌ها، سپس بخش انتقالی بین اتاق چهارگوش و گنبد و در پایان گنبد اصلی، معماران افغانی روی بناهای گوناگون، به‌خصوص روی مقبره‌ها، مساجد و مدارس زیباترین گنبدها را ساخته‌اند. گنبدهای افغانی دارای اشکال مختلفی است که تعداد از آن‌ها عبارتند از گنبد مخروطی، گنبد یک‌پوش، گنبد دوپوش و سه‌پوش، گنبد پیوسته و گسسته. شکوه و زیبایی معماری افغانستان در دوره اسلامی بستگی زیادی به گنبدهای آن دارد که با کاشی‌کاری معرق تزئین شده‌اند.

شبستان ستون‌دار

شبستان‌های ستون‌دار که ارتفاع چندانی ندارد، معمولاً در طرفین گنبدها بنا شده‌اند. این شبستان‌ها به‌گونه‌یی ساخته شده‌اند که بتوان با افزودن یا برداشتن دهانه‌های آن‌ها را توسعه داد یا کوچک کرد.

چهارصفه

قرن هشتم هجری قمری تاریخ تکامل چهار صفه با موارد استفاده‌ی گوناگون بوده است. اصطلاح چهارصفه را می‌توان برای اتاق یا چهار تاق (صلیبی شکل) یا تالار مستطیل به کار برده که چندطاق پوشیده شده باشد. چهارصفه‌ها معمولاً در گوشه‌های عمارتی که وسط حیاط قرار دارد، ساخته می‌شود.

حجره

حجره یا اطاق معمولاً در اطراف اطاق مرکزی یا میان‌سرا به‌صورت مربع، مستطیل و یا چندضلعی ساخته می‌شد. این‌گونه حجره‌ها در مدارس برای استفاده طلاب و در کاروان‌سراها برای استراحت مسافران و گاهی به‌منظور چله‌نشینی درویشان اعمار می‌گردید.

آرامگاه‌ها

آرامگاه‌ها بناهای مربع‌شکل و ساده با دروازه‌ها یا ورودی‌ها در یک، دو و یا سه جانب بوده است. که تعدادی ازین آرامگاه‌ها از آجر، سنگ، گل و خشت ساخته شده است.

تعدادی از آرامگاه‌ها با گنبد‌های چندضلعی که موجب تقویت نور و روشنی می‌شود و هم بعضی از این آرامگاه‌ها دارای پنجره‌ها بوده که تا هنوز هدف اصلی اعمار چنین ساختمان‌ها روشن نشده است. در پهلوی رشد شهرهای جدید، اعمار مساجد و آرامگاه‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است. یکی از نوآوری‌های متأخر در آرامگاه‌ها اعمار گنبد‌ها می‌باشد. یعنی حالت جدیدی از انتقال مربع به گنبد می‌باشد.

در میان مسلمانان، شیعیان برای زیارت‌گاه‌ها و آرامگاه‌های اولاده حضرت علی (کرم الله وجهه) اهمیت زیاد قایل هستند؛ نظیر نخستین بناها در نجف و کربلا که به روی مزار حضرت علی و اولاده‌اش ایجاد شده است. تاریخ بعضی از این آرامگاه‌ها به قبل از قرن چهارم هجری و دهم میلادی بر می‌گردد. یکی از آرامگاه‌های بسیار جالب آرامگاه شاه اسماعیل سامانی در بخارا می‌باشد که شکل مکعب را داشته، کاملاً با آجر پیخته بنا شده و بر بام آن گنبدی مرکزی بزرگی ساخته شده و چهار گنبد کوچک در چهار گوشه آن قرار گرفته است. در میانه هر نما یک در ورودی بزرگ و قوس دار در داخل یک چهارچوب مستطیلی قرار دارد. در جوار بنا یک بالاخانه وجود دارد؛ ولی برای دسترسی به آن راهی در نظر گرفته نشده است. این خصوصیات در آرامگاه حضرت علی کرم الله وجهه در مزار شریف ملاحظه شده می‌تواند. چشم‌گیرترین ویژگی درونی ساختمان تبدیل مربع آن به گنبد است.

نمونه‌های برجسته آرامگاه‌ها در افغانستان آرامگاه حضرت علی کرم الله وجهه در مزار شریف، آرامگاه احمد شاه بابا و میرویس نیکه در قندهار، آرامگاه ظهیرالدین محمد بابر، تیمورشاه، زمان‌شاه، امیر عبدالرحمن خان در کابل نمایان‌گر نوع معماری اسلامی می‌باشد (عظیمی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۲).

قلعه‌های تاریخی و حصارها

قلعه‌ها و حصارهای تاریخی شاهد زنده حوادث و رویدادهای تاریخی در طول زمان بوده است. قلعه‌ها، دژها و حصارهای دفاعی یادگار از دوران گذشته و حکومت‌های مختلف از ملکوک الطواف گرفته تا حکومت‌های متمرکز قوی در داخل همین حصارها فعالیت سیاسی و نظامی داشتند و بیان‌گر مبارزات به سطح محلی و ملی در یک کشور می‌باشد و چنین حصارها در گوشه و کنار افغانستان مشاهده شده می‌تواند.

سرزمین ما مثل اکثر شهرهای مشرق زمین نظر به مقتضای زندگی قرون قدیم، وسطی، جدید و معاصر که سه واژه مهم مانند «حمله» «دفاع» «محاصره» قاموس زنده‌گی مردم را تشکیل می‌داد. قلعه‌ها و حصارهای مستحکم اعمار گردید که هنوز هم بقایای آن بروی تپه‌ها و بلندی‌های شهرها موقعیت دارد، این حصارها دلیل روشن بر اهمیت سوق الجیشی شهرها، مراکز قدرت در طول تاریخ بوده که مملو از

رویدادها و حوادث تاریخی می‌باشد. بعضی از این حصارها همواره در طی قرون متمادی مرکز سیاسی، اداری، فرهنگی و تجاری کشور بوده و از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده است. در دوره‌های مختلف تاریخی قلعه‌ها و حصارها نقش بس‌عمده و بزرگ را در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرزمین ما بازی نموده که بهترین نمونه‌های آن را می‌توان در حملات مغول‌ها، چنگیز، نادر افشار و انگلیس‌ها در کشور مشاهده نمود.

قلعه‌ها و حصارها به‌منظور و اهداف گوناگون اعمار و ساخته شده‌اند؛ گاهی به‌منظور انسجام عشیره و طایفه و گاهی به هدف دفاع از حکومت‌های ملوک‌الطوایف گرفته تا حکومت قوی مرکزی و هم‌زمانی به‌منظور تمرکز و انسجام فعالیت‌های سیاسی، اداری و فرهنگی نظام مورد استعمال بوده است که نمونه‌های بارز چنین حصارها را می‌توان در کابل، غزنه، هرات مشاهده نمود (عظیمی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۲).

نتیجه‌گیری

با گسترش دین مقدس اسلام، در تمام عرصه‌های زنده‌گی مردم تحولات به‌وجود آمد. دین مبین اسلام هنر معماری منحصر به فرد را رونق داد و با آبدات خود معماری جدید را در این دوران بنیان نهاد. در واقع به موازات گسترش حوزه نفوذ اسلام، احداث بناهای تازه احساس شد و بناهای مانند مساجد، مدرسه‌ها، منارها، پل‌ها، کاروان‌سراها و قلعه‌ها در شهرها و جاده‌های کاروانی ایجاد گردیدند. در آغاز حکومت اسلامی احداث مساجد در مقایسه با سایر بناهای اسلامی اهمیت بیشتری داشت. مسجد جزء بزرگ‌ترین بناها در شهرها و روستاها بود. مساجد علاوه بر این که محلی انجام فرایض و اقامه نماز بود، نهاد سیاسی اجتماعی و اداری نیز به‌شمار می‌رفت.

قرن دوم هجری با تحولات سیاسی در جهان اسلام همراه بود. در این تحولات، معماری نقش اساسی داشت. در نقاط مختلف جهان خانواده‌هایی برای تشکیل قدرت و رسانیدن اسلام به سرزمین‌های دیگر همت گماشته‌اند که در تاریخ اسلامی نام‌شان به خط زرین درج شده است.

در قرن چهارم هجری حکومت‌های تازه تأسیس گردید که مرکزیت آنان خالی از معماری و ساخت و ساز نبود؛ در این دوره هنر و معماری بسیار رشد کرد. آثار و بناهای زیادی از این دوره به جا مانده است که بخش مهم میراث‌های فرهنگی کشورها به‌شمار می‌رود.

منابع

ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۸۳). سیرت. ترجمه رفیع الدین اسحق همدانی. جلد دوم، تهران: نشر دنیا.

اتنگهاوزن، ریچارد. (۱۳۸۱). هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر لیلی.

حسینی، سید رضا. (۱۳۹۲). مقدمه بر معماری و شهرسازی افغانستان، کابل، انتشارات خراسان

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۷). کارنامه اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.

صدیقی، خواجه نجیب الله. (۱۳۹۷). بررسی بناءهای تاریخی دوره اسلامی در حوزه جنوب غرب افغانستان. کابل: مطبعه شمشادهاشمی.

صفا، ذبیح الله. (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات ایران. چاپ بیست و دوم. تهران: نشر فردوسی.

صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۲). تاریخ تعلیم و تربیت در ایران از قرن هفتم تا نهم. در مجله مهر. ایران: تهران. سال چهارم، شماره ششم.

صمد، عبدالبشیر. (۱۴۲۰ هجری قمری). بررسی کاوش‌های باستانشناسی. کابل: ریاست نشرات اکادمی علوم افغانستان.

عمید، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.

عظیمی، محمد عظیم. (۱۳۹۰). افغانستان و نقاط شگفت انگیز آن. کابل: انتشارات فرهنگ

فکری، سلجوقی. (۱۳۴۹). ذکر برخی از خوش نویسان و هنرمندان، انجمن تاریخ و ادب، اکادمی علوم، کابل، افغانستان.

کیانی، محمد یوسف. (۱۳۸۰). معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: انتشارات مولی.

هواک، جان وهانری مارتن. (۱۳۸۶). سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی. ترجمه پرویز ورجاوندی. تهران: شرکت انتشارات

علمی و فرهنگی.

هتلون، روبرت. (۱۳۹۱). معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت الله. تهران: انتشارات اسلامیه.

هروی، نجیب مایل. (۱۳۷۲). کتاب آرایبی در تمدن اسلام. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

هوتک، زلمی. (۱۴۰۰). آبدات دوره اسلامی. کابل: پوهنتون کابل، پوهنځی علوم اجتماعی.

هلین برند، رابرت. (۱۳۸۶). هنر و معماری اسلامی. ترجمه‌ی اردشیر اشراقی. تهران: نشر روزنه.